

درپچه

قراردادهای خارجی ایران-۱

دوران صفوی

تانیای تجلی

■ در سال ۱۵۱۱ در آسیای صغیر کوچ‌نشینان و دهقانان شیعه قیام عظیمی را علیه عثمانی‌ها آغاز کردند.

این قیام را یکی از قزلباشان عشیره تکلیو به نام حسن‌اوغلی ملقب به شاه‌قلی رهبری می‌کرد. سلطان بایزید دوم سلطان عثمانی (۱۵۱۲–۱۴۸۱) ناگزیر شد نیروی بزرگی از چریک‌ها را گردآوری کند. این قیام با دشواری سرکوب شد. شاه اسماعیل کمکی به این قیام نکرد. او مهاجران آسیای صغیر را که به تبریز آمده بودند را به سردی پذیرفت؛ ظاهراً شاه از قدرت عثمانی‌ها هراس داشت و نمی‌خواست کار را به قطع رابطه با بایزید بکشانَد، بنابراین تحت تأثیر وسوسه درگیری در آسیای صغیر قرار نگرفت، علاوه بر این از میان قزلباشان آسیای صغیر بسیاری از عناصری که طرفدار ایندولوزی توده‌های مردم بودند، وجود داشتند. شاه اسماعیل و فتودال‌های بلندپایه قزلباش از این رقیبای موقتی به انگیزه داشتن پندارهای نیک اجتماعی و مذهبی‌شان، بایزید دوم، سلطان سلیم (۱۵۲۰–۱۵۱۲) که مردی دلیر و جنگجو بود، سیاست گسترش‌خواهی را دنبال می‌کرد. برای آنکه عقب جبهه را آرام کند دارد در آغاز سخت به پیگرد شیعیان آسیای صغیر پرداخت. در سال ۱۵۱۳، ۴۰۰ هزار نفر از شیعیان را کشت و بسیاری از آنان را به زندان افکند. سلیم که خود را برای لشکرکشی به ایران آماده می‌کرد، چهارنامه برای اسماعیل فرستاد، ضمن این نامه‌ها با لحن اهانت‌آمیزی او را به کفر و بی‌شرعی متهم کرد و از او خواست تا توبه کند، در غیر این صورت تمام قلمرواش را با زور تصرف خواهد کرد. در آوریل ۱۵۱۴ سلیم اول جنگ را آغاز کرد. عثمانی‌ها در ۲۳ اوت ۱۵۱۴ در نبردی نزدیک چالدران قزلباش‌ها را به سختی شکست دادند و موقتاً تبریز را گرفتند. سلیم اول پیشنهاد صلح اسماعیل را رد کرد و به جنگ با ایران ادامه داد، جانشین او سلطان سلیمان قانونی (۱۵۶۶–۱۵۲۰) که به جنگ ادامه داد. این جنگ و بیشتر جنگ‌های میان ایران و عثمانی زیر پوشته بیرون شیعه و سنی انجام گرفت اما واقعیت این بود که این پیکارها بر سر تصرف سرزمین‌های مهم استراتژیک که از آنها راه‌های کاروان و تجاری می‌گذشتند، جریان داشت. در مراحل نخستین این جنگ، عثمانی‌ها برنده بودند و ایران فقط به دفاع می‌پرداخت. عثمانی‌ها ارمنستان، باختری، کردستان و عراق را تصرف کردند، به باختر ایران تاختند و سه بار به طور موقت تبریز را اشغال کردند و حتی اصفهان را در سال ۱۵۴۸ گرفتند. سال ۱۵۵۵ پیمان صلح در املسه با شرایط زیر بین ایران و ترک بسته شد.

قرارداد صلح املاسیه

قرارداد صلح املاسیه اولین پیمان صلحی است که میان دولت ایران و دولت عثمانی به امضا رسید. این قرارداد در سال (۹۶۲هـ-۱۵۵۵) میان شاه طهماسب اول و سلطان سلیم عثمانی بسته شد. به موجب این قرارداد ایالت‌های آذربایجان، ارمنستان شرقی و گرجستان شرقی در اختیار دولت ایران قرار گرفت و گرجستان غربی، ارمنستان غربی و کشور عراق به دولت عثمانی واگذار شد. در این قرارداد سلطان عثمانی موافقت کرد که با پیروان مذهب شیعه با مدارا رفتار کند و از زور ایرانی که عازم مکه و مدینه هستند، حمایت کند، به‌علاوه به فرماندهان مرزی نیز تاکید شود تا از صدور هرگونه دستوری که موجب منازعات مرزی شود، خودداری کنند.

شاه عباس و صلح استانبول

در زمان فرمانروایی شاه عباس که بعدها لقب «کبیر» یافت، اوضاع داخلی و خارجی ایران بسیار آشفته بود. دولت شاه عباس اول به دولت تزاری روس زیر فرمانروایی فدور ایوانوویچ پیشنهاد عملیات جنگی مشترک علیه عثمانی‌ها را داد، منظورش آن بود که سواحل دریای خزر قفقاز و شیروان را که مرکز صدور ابریشم بود از عثمانی‌ها پس بگیرد. به اصرار دولت روس سفیر شاه عباس به نام هادی بیک در مسکو رسماً متعهد شد که دولت ایران در بند و باکو را به دولت روس واگذار کند اما روسیه که در اثر جنگ‌های طولانی با کشورهای اروپایی ناآون شده بود و از تهدید لهستان و سوئد بیم داشت، صلاح ندانست خود را با سپا دولت نیرومند عثمانی درگیر کند و به انجام عملیات جنگی جنگی در مرز شمالی داغستان اکتفا کرد. در سال ۱۵۹۰ شاه عباس ناگزیر شد به پستن پیمان صلح استانبول با عثمانی‌ها تن در دهد، ضمن این پیمان، گرجستان شرقی، ارمنستان شرقی، شیروان، آذربایجان (به غیر از اردبیل و طالش)، قسمت مهمی از لرستان و قسمتی از مناطق غربی ایران از جمله شهرهای مهران و وسیله پیمان صلح با عثمانی‌ها پدید آمده بود، بهره برد و نیروی خود را صرف سرکوبی قیام‌های داخلی و نبرد بازبانان کرد.

شاه عباس و صلح سراب

سال ۱۶۰۳ شاه عباس جنگ تازه‌ای را علیه عثمانی‌ها آغاز کرد، در این جنگ برای نخستین بار پس از صد سال ارتش ایران به تعرض علیه عثمانی‌ها پرداخت و تاکتیک دفاعی به آنها تحمیل شد. به سال ۱۶۰۳ شاه صفوی بر عثمانی‌ها چیره شد و ارتش شاه، تبریز، جلفا، نخجوان و ایروان را به تصرف درآورد. در فاصله سال‌های ۱۶۰۳ و ۱۶۰۷ ارتش ایران، آذربایجان، ارمنستان خاوری، گرجستان خاوری و لرستان (تمام سرزمین‌هایی را که عثمانی در فاصله سال‌های ۱۵۷۸ و ۱۵۹۰ اشغال کرده بودند) تصرف کرد. در این هنگام ساکنان شهرهای باکو و دربند علیه اشغالگران عثمانی قیام و شهرهای‌شان را به ارتش شاه تسلیم کردند. به سال ۱۶۱۶ دولت عثمانی دیواره جنگ را آغاز کرد؛ ارتش عثمانی همراه ارتش خان کریمه دوباره به ناحیه شرقی ماورا قفقاز هجوم برد اما عثمانی‌ها در نزدیکی سراب در سال ۱۶۱۸ از شاه عباس شکست خوردند و در این سال پیمان سراب بسته شد.



جنبش

آغاز عصر روشنگری در ایران

شد دولت به انگیزه دلجویی از آنان مهلت شش ماهه‌ای برای فروش ذخایر توتون و تنباکوی تاجران قابل شود. با این حال مهلت فوق نیز نمی‌توانست خسارات ناشی از واگذاری امتیاز را جبران سازد. روس‌ها نیز که در منطقه ساوجبلاغ به کشت تنباکو اشتغال داشتند به امتیاز فوق اعتراض کردند و آن را ناقض عهدنامه ترکمانچای خواندند و خواستار لغو آن با عقد قرارداد مشابه شدند. پس از آنکه شرکت رژی حدود ۲۰۰ هزار نفر از اتباع دولت بریتانیا و مستعمرات آن را به عنوان کارکنان شرکت به ایران آورد و به شهرهای مختلف فرستاد، رنگ هشدار برای ایرانیان به صدا درآمد. چرا که با حضور آنها در حدود ۱۰۰ هزار مبلغ مسیحی وارد ایران شدند و ضمن ایجاد کلیسا در مناطق مختلف، دختران ایرانی را نیز به امور پرستاری در بیمارستان‌ها و بی‌جایی‌ها داشتند. در تهران و اکثر شهرها مراکز فساد برپا شد و کافه‌هایی با انواع وسایل قمار و رقص‌های محلی و مشروبات الکلی پدید آوردند. از این رو اقدامات فوق عالمان دینی را به‌دلیل متزلزل شدن اساس دین و استقلال کشور توسط قدرت بیگانه و مغایرت امتیازات با قرآن مجید به تحریم تنباکو ترغیب کرد. در واقع دلیل اصلی مخالفت علما با این امتیاز، علاوه بر جنبه تجاری آن و اختلال در نظام بازرگانی کشور، نگرانی از نفوذ تدریجی و سلطه کامل بیگانگان بر ایران بود.

اعتراض‌ها به رهبری روحانیت، توسط سید علی‌اکبرآل‌اسیری از علمای برجسته شیراز آغاز شد. این اعتراض که همزمان با ورود مأموران انگلیسی رژی به شیراز به تعطیلی بازارها و اجتماع مردم در مساجد انجامید، رژیم را برای مقابله به دستگیری و تبعید سیدعلی‌اکبر قال‌اسیری و گلوله باران مردم واداشت. با وجود تمام خشونت‌های حکام، مقاومت مردمی ادامه یافت و قیام مردم شیراز به تبریز، مشهد، اصفهان، تهران و دیگر نقاط ایران گسترش یافت. در تبریز، مردم به رهبری آیت‌الله حاج میرزاآقاخان مجتهد تبریزی به مقابله با قرارداد برخاستند و ضمن پاره کردن اعلامیه‌های کمپانی از روی دیوارها و معابر عمومی، از پذیرفتن خراج‌ن نیز خودداری کردند. مردم تبریز که با خشونت حکومت مواجه شدند، بیگانگان را تهدید به

قتل در روز عاشورا کردند.

در ایمن میان اصفهان که تجار و علمای آن همکاری بیشتری داشتند به مخالفت با قرارداد مزبور گرفته بود، علمای اصفهان برای اولین بار در منطقه خود استعمال دخانیات و تنباکو را تحریم و کارکنان رژی را تجسس اعلام کردند. بدین‌ترتیب تولیدکنندگان تجارت توتون و تنباکو را در شهر برایتون با اعتمادالسلطنه محول کرد. تالپوت نخستین مذاکره دربارۀ انحصار توتون و تنباکو را در شهر برایتون با اعتمادالسلطنه آغاز کرد و پس از کسب اطلاعات کافی در این زمینه، امین‌السلطان را با دادن وعده‌های فراوان متقاعد کرد که او نیز موافقت شاه را در ازای دریافت سالانه ۲۵ هزار لیره جلب نماید.ناصرالدین شاه که برای تأمین هزینه سفرهای خود به اروپا با مشکلات مالی مواجه بود، با اعطای امتیاز موافقت کرد و پس از مراجعت به ایران در رجب ۱۲۷۰ ه‍. ق (مارس ۱۸۹۰ میلادی) قراردادی را با تالپوت – که با کمک دولت و عمدای از سرمایه‌داران انگلیسی، کمپانی رژی را با سرمایه‌ای ۶۵۰ هزار لیره تأسیس کرده بود – منعقد کرد.

بدین‌ترتیب در ۲۸ رجب ۱۳۰۷ (۲۰ مارس ۱۸۹۰) امتیاز تجارت توتون و تنباکو به مدت ۵۰ سال به تالپوت اعطا شد. این امتیاز که به امضای شاه و سرهنری ولف رسید، حکایت از اختیارات تام تالپوت در امور دخانیات ایران و بی‌اعتنایی به منافع ملت ایران داشت. طبق این قرارداد، شرکت رژی متعهد شد که در ازای انحصار خرید و فروش توتون و تنباکوی ایران به مدت ۵۰سال، سالانه مبلغ ۱۵ هزار پوند استرلینگ به همراه یک چهارم سود خالص خود را به شاه بپردازد. این امتیاز با مخالفت گسترده مردم و روحانیون مواجه شد. در سال ۱۸۹۰، روزنامه فارسی زبان اختر که در عثمانی منتشر می‌شد، طی مصاحبه‌ای با تالپوت، تفاوت فاحش امتیاز دخانیات ایران را با امتیازی که کمپانی رژی از عثمانی گرفته بود، یادآور شد و ضمن انتقادهای گسترده از دولت، تبعات و پیامدهای قرارداد را برای مردم ایران روشن ساخت. با توجه به این مطلب که توتون و تنباکو از مهم‌ترین اقلام تجاری و صادراتی ایران بود و حدود ۲۰۰ هزار تن به کشت و خرید و فروش آن اشتغال داشتند، بنابراین انحصار خرید و فروش این محصول به یک شرکت انگلیسی منافع بسیاری از مردم ایران را به خطر انداخت. نخستین اعتراض‌ها را تاجران دخانیات آغاز کردند. در آغاز عدای از بازرگانان به همراه امین‌الدوله نزد شاه رفتند و به انحصار تجارت تنباکو اعتراض کردند. این اعتراض موجب ایران اخراج شد.

میرزای شیرازی علاوه بر آنکه مرجعیت عالم اسلام را بر عهده داشت، یکی از بزرگ‌ترین جنبش‌های مذهبی علیه ظلم و فساد حاکم و استعمار را در ایران پایه‌گذاری نمود. ایشان از همان ابتدا به واسطه نامه‌هایی که از علمای ایران دریافت می‌کرد، از اعطای امتیاز انحصار تجارت تنباکو و پیامدهای آن مطلع شده بود. از سوی دیگر سید جمال‌الدین اسدآبادی نیز که در بصره در تبعید به سر می‌برد، طی نامه‌ای درباره مظالم شاه به میرزای شیرازی نوشت و در آن مسوولیت بزرگی را که علمای دین در دفاع از حقوق مسلمانان دارند، یادآور شد. از این‌رو میرزای

تاریخ

تنباکو



نگار انحصاری توتون و تنباکو

آغاز عصر روشنگری در ایران

ضمن رفع تکلیف از خود، به اصرار امین‌السلطان تلگرامی حاکی از لغو امتیاز داخلی پاسخ‌میرزای شیرازی ارسال کردند. دو هفته پس از اعلام لغو امتیاز داخلی، پاسخ‌میرزای شیرازی به تلگرام علما به تهران ارسال شد. او در این تلگرام ضمن تشکر از شاه به جهت لغو امتیاز، اظهار امیدواری کرده بود دست‌های خارجی به کلی از ایران کوتاه شود. پاسخ مزبور که به هیچ‌وجه مقصود اصلی دولتیان را که خواهان صدور حکم حلیت استعمال تنباکو بودند، تأمین نمی‌کرد، ادامه امتناع مردم از مصرف توتون و تنباکو را در پی داشت. دولت که میرزای آشتیانی را عمل ناآرامی می‌پنداشت، از او خواست تا به منبر برود و دادن به اوضاع ناسعدا، شدت عمل بیشتری نشان داد و از یک سو فرمان بازگشایی تمام قهوه‌خانه‌ها را صادر نمود و از سوی دیگر میرزای آشتیانی را در قلیان کشیدن در مجامع عمومی یا خروج از دارالخلافه (تهران) مختار کرد. میرزای آشتیانی نیز بی‌درنگ ترک تهران را بر مخالفت با حکم میرزای شیرازی ترجیح داد و آماده حرکت شد.

در سوم جمادی‌الآخر ۱۳۰۹، مردم پس از آگاهی از تصمیم میرزای آشتیانی مبنی بر خروج از دارالخلافه در منزل وی در محله سنگلج اجتماع کردند و از آنجا به سمت میدان ارگ و کاخ گلستان رفتند. زنان پیشاپیش مردان خطاب به شاه فریاد می‌زدند و نگرانی خود را نسبت به بیرون کردن علما از شهر اعلام کردند و تاکید داشتند دولت قصد دارد دین آنها را از بین ببرد تا فرنگیان بر مردم سلطه یابند. در این ایام همچنین زرمزه‌های جهاد علیه دستگاه نیز بالا گرفته بود و اعلامیه‌هایی به این مضمون که «بر حسب حکم جناب حجت‌الاسلام، آقای شیرازی، اگر تا ۴۸ ساعت دیگر امتیاز دخانیات لغو نشود، بوم دوشنبه آتیه، جهاد است، مردم مهیا شوید.» بر دو دیوار شهرها نصب شده بود.

پیشروی مردم، دربار را وحشت زده کرد و کوشش کاسمران میرزا نایب‌السلطنه برای آرام کردن مردم حاصلی نداشت. به طوری که وعده‌های او به نیابت از شاه که «فرنگی‌ها را بیرون می‌کنیم» یا دست‌خط شاه خطاب به وی که اعلام می‌داشت: « امتیاز داخله را که برداشته بودیم، حال امتیاز از خارجه را هم برداشتیم و مردم مجبور در کشیدن قلیان نیستند تا حکم از جناب میرزای شیرای برسد»، بی‌حاصل ماند. بی‌نتیجه ماندن وعده‌ها سبب شد که محمدعلی خان معین نظام، فرمان تیراندازی صادر کند و در این تیراندازی‌ها عده‌ای کشته شوند. در پی این کشتار، میرزای آشتیانی مردم را به استقامت عاقلانه و اجتماع در مسجد جامع فراخواند. وی همچنین برای پایان گرفتن غائله سه پیشنهاد به مضمون پرداخت خون‌پهای مقتولان، مصونیت حاضران در تظاهرات و بر چیدن بساط تمامی امتیازات خارجی را مطرح ساخت. سرانجام شاه در پنجم جمادی‌الآخر ۱۳۰۹ برای اطمینان بیشتر در دست‌خطی به امین‌السلطان لغو کامل امتیاز را اعلام کرد تا وی به آگاهی علما و مردم برساند. ولی مخالفان آرام نگرفتند و عزل امین‌السلطان – که از نظر آنان حامی امتیاز بود – و لغو تمام قراردادهای که با خارجیان منعقد شده بود را خواستار شدند. در نتیجه لغو امتیاز تنباکو، حکم تحریم تنباکو نیز پس از ۵۵ روز از سوی علما لغو شد. البته در این بین کارکنان خارجی که تلاش‌های خود را بی‌ثمر می‌دیدند، خواستار گفتند که حکم میرزای بزرگ را جز خود او شخص دیگری نمی‌تواند تغییر دهد. آنها همچنین اضافه کردند که «این کار اصلاح بر نمی‌دارد، باید امتیازات برداشته شود… امین امتیازات باید برگردد و تا برگردد میرزا آرام نمی‌گیرد» در این میان امین‌السلطان راه دیگری در پیش گرفت و به علما وعده داد که اقداماتی جهت لغو امتیاز خواهد کرد و در برابر از آنان خواست که صریحاً استعمال دخانیات را مجاز اعلام کنند. بدین‌ترتیب ناصرالدین‌شاه که از یک سو با اوضاع آشفته داخلی و از سوی دیگر با مخالفت‌های جدی

مسوولان کمپانی و کارگزاران سفارت انگلیس روبه‌رو بود، در حالی‌که تنها دو هفته از صدور حکم تحریم می‌گذشت به الغای انحصار داخله توتون و تنباکو پرداخت تا امین‌السلطان در جلسه دیگری با حضور علما، این خبر را اعلام نماید که از این پس انحصار داخلی لغو شده و مردم می‌توانند توتون و تنباکوی خود را آزادانه در داخل کشور خرید و فروش کنند.

با لغو انحصار داخلی، علما در برابر اصرار امین‌السلطان اعلام داشتند که چون امتناع مردم از استعمال دخانیات مستند به حکم میرزای شیرازی است، تنها چاره کار مراجعه به وی و کسب اطلاع از نظر او است. در واقع آنها

- مسوولان کمپانی و کارگزاران سفارت انگلیس روبه‌رو بود، در حالی‌که تنها دو هفته از صدور حکم تحریم می‌گذشت به الغای انحصار داخله توتون و تنباکو پرداخت تا امین‌السلطان در جلسه دیگری با حضور علما، این خبر را اعلام نماید که از این پس انحصار داخلی لغو شده و مردم می‌توانند توتون و تنباکوی خود را آزادانه در داخل کشور خرید و فروش کنند.
- با لغو انحصار داخلی، علما در برابر اصرار امین‌السلطان اعلام داشتند که چون امتناع مردم از استعمال دخانیات مستند به حکم میرزای شیرازی است، تنها چاره کار مراجعه به وی و کسب اطلاع از نظر او است. در واقع آنها

یادداشت

مشروطیت و کژتابی‌های سیاسی-۲

بحران سیاسی در دولت مشروطه

لطف‌الله آجدانی

لطف‌الله آجدانی

■ یکی از علل مهم همراهی گروهی از زمینداران بزرگ با مجلس و مشروطیت، در واقع همسویی مواضع مجلس و مصوبات قانونی آن را با منافع زمینداران بزرگ منعکس می‌کرد.

در این میان اشراف زمینداری چون سهدار تکنیکی که پیشتر در سرکوب قیام تبریز با عین‌الدوله همکاری داشت، ناگهان تغییر موضع داده و به صف مشروطه‌خواهان پیوست و همسو با سردار اسعد بختیاری و صمصام‌السلطنه با پیش‌دستی در تدارک و تجهیز سپاه از شمال و جنوب به مرکز حکومت حمله‌ور شدند و با این مشارکت زیرکانه در واقعه فتح تهران، زمینه مناسبی را برای دریافت سهم بیشتری از حکومت مشروطه فراهم کردند. پس از فتح تهران و تشکیل مجلس دوم شورای ملی، تعداد نمایندگان ملاک در مجلس افزایش یافت و در مقابل از تعداد نمایندگان دموکرات و اصناف بازار به‌شدت کاسته شد.

نمایندگان ملاکین که در مجلس اول ۲۱ درصد را شامل می‌شدند، در مجلس دوم ۳۰ درصد و در مجلس سوم ۴۹ درصد مجلس را در اختیار گرفتند. در حالی که تعداد نمایندگان اصناف بازار که در مجلس اول ۳۷ درصد بودند، در مجلس دوم به هفت‌درصد و در مجلس سوم به پنج‌درصد کاهش یافتند، این تغییر به خوبی نشان می‌دهد که حکومت مشروطیت به شدت زیر سایه نفوذ و قدرت اشرافیت زمیندار قرار گرفت. برخاسته از همین واقعیت است که دکتر عبدالهادی حائری به درستی نوشته است: «فتح تهران را باید پیروزی فتودالیته محض بر بورژوازی نوپا خواند». حائری. تشیع و مشروطیت در ایران. ص ۱۲۰) و بدین ترتیب در واقع اشرافیت زمیندار با در دست گرفتن بخش مهمی از حکومت و مجلس قانونگذاری مشروطیت، یکی از مهم‌ترین عوامل انحراف مشروطه از آرمان‌های اولیه انقلاب مشروطه و عامل مهمی در ایجاد و افزایش ناامنی‌های اجتماعی و شورش‌های تجزیه‌طلبانه‌ای بود که به سبب نقشی که در جلوگیری از توسعه نیروهای مولد کشور و ایجاد موانع در راه پیشرفت اقتصادی جامعه ایران داشتند از حمایت دولت انگلیس نیز برخوردار بودند. وجود ناامنی‌های گسترده اجتماعی و اقتصادی به وجود آمده که بخش قابل ملاحظه‌ای از آن نتیجه افزایش قدرت ملاکین بزرگ در عصر مشروطه بود، یکی از مهم‌ترین عواملی بود که گروه‌های پشرو مشروطیت – تجاری را به حمایت از دیکتاتوری نظامی در ایران سوق داد. (پاولویچ و دیگران. انقلاب مشروطیت ایران، مصص ۱۴۴ و ۱۴۵) و زمینه را برای آغاز دوران استبداد نوین رضاخان در ایران فراهم کرد.

بحران سیاسی در دولت مشروطه محصول علل و عوامل متعددی بود. برخاف آنچه که غالباً پنداشته می‌شود بحران سیاسی به وجود آمده در ایران عصر مشروطه، محدود به ضدیث‌ها و توطئه‌های گروه‌های مختلف وابسته به استبداد سیاسی و ارتجاع و سنت‌گرایان افراطی یا توطئه‌های قدرت‌های خارجی در ایران نبود. دقت در تاریخ مشروطیت ایران از این واقعیت خبر می‌دهد که می‌توان و باید بخش مهمی از موانع و بحران سیاسی دولت مشروطه را در ساختار سیاسی مشروطه و مبانی فکری مشروطه طلبان جست و جو کرد. درگونی سریع رژیم حکومتی از حکومت سلطنت استبدادی مطلقه به حکومت سلطنتی مشروطه، یکی از عوامل اصلی نابسامانی‌های سیاسی ایران در عصر مشروطه و تبعات اجتماعی آن بود.

تغییر سریع رژیم حکومتی در شرایطی شکل گرفت که بسیاری از پیش‌زمینه‌های لازم و کافی برای ایجاد دگرگونی‌های اساسی در جامعه ایرانی فراهم نشده بود.

در نتیجه دگرگونی سریع به وجود آمده، احزاب، انجمن‌های سیاسی و مطبوعات متعدد و فراوانی به سرعت ظهور و رشد کردند. در حالی که تا پیش از ظهور و استقرار مشروطیت در ایران، تنها شش نشریه و روزنامه در داخل ایران منتشر می‌شد، در نخستین سالان از مشروطیت، تعداد نشریاتی که در داخل ایران منتشر شد به بیش از ۱۰۰ نشریه و روزنامه افزایش یافت.

همچنین ده‌ها انجمن، گروه و تشکل‌های سیاسی پدید آمد که هرچند در واقع نخستین نطفه‌های پیدایش تحزب در ایران می‌تواند به شمار آید اما به سبب آنکه غالباً بر بنیادی‌های استواری قرار نداشتند، نتوانستند سرمایه‌چندان درخشان‌ی در راه تحقق اهداف و آرمان‌های سیاسی و اجتماعی انقلاب مشروطه را بر جای نهند

پارهای از تندروی‌ها و خشونت‌طلبی‌های بسیاری از انجمن‌ها و گروه‌های سیاسی مشروطه‌طلب و مطبوعات آزاد که با درک نادرست از آزادی، زمینه‌ساز هرج و مرج داخلی شده بودند، از نقش مهمی در تضعیف حکومت مشروطه بر‌خوردار بودند.